



نظام آموزش فنی و حرفه‌ای موفق

بخش دوم و پایانی

اشاره

بخش اول مقاله در شماره ۴۰ این مجله در زمستان ۹۳ چاپ و به نظر خوانندگان محترم رسید. در ادامه بخش دوم، نویسنده نظام آموزشی فنی و حرفه‌ای موفق را در شرایط خروج از رکود اقتصادی بررسی می‌نماید.

۱. دسترسی کارآموزان به آموزش

یکی از عوامل موفقیت هر نظام آموزش فنی و حرفه‌ای سهولت دسترسی کارآموزان به این نظام آموزشی است. کارآموزان باید بتوانند به سهولت در مراکز آموزشی ثبت‌نام کنند و از لحاظ رفت‌وآمد به مدرسه‌های فنی و حرفه‌ای مشکلی نداشته باشند. عامل دیگر مؤثر در موفقیت این آموزش‌ها، کسب اطمینان از نزدیک بودن تعداد زیادی از کارآموزان

کلیدواژه‌ها:

فنی و حرفه‌ای، نظام
آموزشی، بازار کار

به مرکز آموزشی است. باید مطمئن شد که تعداد کافی کارآموزان در مدرسه یا کالج مورد نظر ثبت‌نام کنند و در سطح بالایی در آموزش مشارکت خواهند داشت. بنابراین مواردی که باید برای گسترش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در نظر گرفت عبارت‌اند از: دسترسی به آموزش‌ها، استطاعت پرداخت هزینه‌های مراکز آموزشی، و نزدیک بودن به مراکز آموزشی.

با در نظر گرفتن موارد فوق، مراکز آموزشی باید به کارفرما هم نزدیک باشند. چون کارکنان صنایع کلیدی باید بتوانند بازدیدهای منظمی از مدرسه‌ها یا کالج‌های فنی و حرفه‌ای داشته باشند و در این بازدیدها از به روز بودن و مرتبط بودن وسایل و روش‌های آموزشی اطمینان حاصل کنند تا از این



بیشتری از دانش‌آموزان را پوشش می‌دهند. بسیاری از برنامه‌های فنی (واحدهای درسی و...) طبق نیازها و خواسته‌های کارفرمایان طراحی می‌شوند. این آموزش‌ها برای استخدام و تأمین رضایتمندی کارفرما و فارغ‌التحصیل ارائه می‌شوند. برای بیشتر شهروندان کالج‌های محلی عنصرهایی بسیار مفیدند، چون می‌توانند از برنامه‌های گسترده دانشگاهی و پرورشی بهره ببرند و در نتیجه ظرفیت بالاتری را برای یک رشد و توسعه اقتصادی منطقه‌ای و محلی واقعی و زنده فراهم کنند. آموزش باید در محدوده منابع موجود تدارک دیده شود، ولی تمام تلاش‌ها باید به این سو معطوف شوند که آموزش فنی و حرفه‌ای در دسترس تعداد بیشتری از افراد قرار گیرد.

با وارد کردن آموزش فنی و حرفه‌ای در نظام آموزشی اجباری و سنتی مدرسه‌ها، هدف بالا یعنی تأمین دسترسی بیشتر برای افراد تحقق می‌یابد و فرصت‌های بیشتری برای دانش‌آموزان فراهم می‌آید تا بفهمند که آموزش فنی و حرفه‌ای مرحله بالاتری در آموزش اجباری است. بسیاری از دانش‌آموزان

طریق نیازهایشان به‌عنوان کارفرما مورد توجه قرار گیرد. چنین ویژگی‌هایی در نظام آموزش فنی و حرفه‌ای می‌تواند فارغ‌التحصیلان را به سمت فرصت‌های شغلی کیفی و مرتبط هدایت کند.

در نظام آموزشی ایالات متحده، برای اینکه هدف فوق تأمین شود، کالج‌های محلی طبق این اصول هدایتی پایه‌گذاری شده‌اند. این کالج‌ها معمولاً به کارآموزان خود مدرک دو ساله می‌دهند که بسیاری از آن‌ها آموزش فنی هم داشته‌اند. در عین حال، کالج‌های محلی بدین دلیل توسعه پیدا کرده‌اند که آموزش‌هایی را برای همه اقشار سنی دانش‌آموزان و مطابق با نیازها و خواسته‌های آنان ارائه دهند. پذیرش در این گونه کالج‌ها به مراتب آسان‌تر است و نسبت به دانشگاه‌های معروف همان شهرها، جمعیت‌های

**نظام آموزش
فنی استرالیا
ارتباط مستقیم
با استخدام دارد.
اگر چه دانش آموزان
بعد از دوره
آموزشی مدرک
می گیرند ولی در
طول آموزش حتماً
باید دوره های
کارآموزی یا
شغل های پاره وقت
داشته باشند**

بسیار سطح پایین می گذرانند که این به هیچ وجه نمی تواند به اقتصاد یک کشور در حال رشد کمک کند. چنین وضعیتی شرایط حادّ جوانان را بدتر می کند تا جایی که نهایتاً به همان چرخه دائمی فقر درون نسل جوان و فعالیت های غیرقانونی توسط آنان می انجامد. با فعال کردن مراکز فنی و حرفه ای، هم در مناطق راهبردی شهری و هم در مناطق روستایی، نیروی کار آموزش دیده در هر دوی این مناطق به رشد اقتصادی متداوم و متوازن کشور کمک می کند. با این حال برنامه های آموزشی ارائه شونده در مناطق روستایی باید هدفمند باشند و ظرفیت تجاری و صنعتی منطقه را بالا ببرند. تصمیم گیری های مربوط به وجود هر دو نوع، دولتی یا خصوصی آموزش فنی و حرفه ای و توازن آن ها در مناطق روستایی با دقت هر چه تمام تر باید انجام گیرد.

در کشورهای در حال پیشرفت امکان حضور در آموزش عالی را ندارند، ولی اگر امکان دسترسی به آموزش فنی و حرفه ای را داشته باشند، با رضایت کامل در برنامه های آن شرکت می کنند. این نظام آینده تمام عیار نظام آموزشی کشور آلمان است که در آن، دانش آموزان بعد از اتمام دوره اجباری آموزشی می توانند مسیرهای مختلف آموزشی را انتخاب کنند. به علاوه، وارد شدن آموزش فنی و حرفه ای در نظام آموزشی کشور، برای کسانی که از آموزش رسمی مدرسه ها ترک تحصیل کرده اند، این امکان را فراهم می کند که به کسب مهارت های شغلی بپردازند. آن ها راحت تر می توانند در مشاغل رسمی با حقوق بالا مشغول کار شوند که این به نوبه خود به کارآموزان کمک می کند تا برای جامعه خود هر چه بیشتر مفید باشند.

در بسیاری از موارد دانش آموزان از فرصت ها و فایده هایی که برنامه های فنی و حرفه ای در اختیارشان قرار می دهد، بی خبر هستند. هنوز هم در بسیاری از کشورها این دیدگاه متعصبانه و مغرضانه تاریخی که نظام فنی و حرفه ای یک رویکرد ناقص آموزش و پرورش است، وجود دارد. فعالیت های فنی و حرفه ای جدید در کشورهای در حال توسعه مثل جمهوری های شوروی سابق در آسیای مرکزی، ویتنام و اندونزی، به خاطر این دیدگاه که آموزش فنی و حرفه ای اصلاً در سطح آموزش دانشگاهی نیست محدود شده اند. این دیدگاه ها، علی رغم کمبود نیروی کار ماهر در صنایع کلیدی مثل عملیات معادن، حمل و نقل، ساخت و سازهای عمرانی، لوله کشی و فناوری های ماشین آلات، هنوز هم بسیار دیده می شوند. مشکل مزبور لزوماً از ناحیه برنامه های فنی و حرفه ای یا سیاست های آموزشی نیست، بلکه در بسیاری از موارد به مشکلات تاریخی و جغرافیایی برمی گردد.

بسیاری از مؤسسه های فنی و حرفه ای در مناطق شهری تأسیس می شوند، چون مجموعه صنایعی که در حیطه آموزش فنی و حرفه ای قرار می گیرند، مرکزیت دارند و جمعیت بیشتری در شهرها ساکن هستند. مناطق روستایی و حومه شهر از مراکز فنی و حرفه ای خالی هستند و در نتیجه کالج های این مناطق از لحاظ منابع دچار فقر هستند و ارتباط خود را با صنایع و بازار کار از دست می دهند. بیشتر جوانان روستایی به دنبال کار و آموزش به مناطق شهری می آیند و از آنجا که مهارت های پایه ای لازم را کسب نکرده اند، زمان زیادی را بدون کار و یا با انجام کارهای





کارفرمایان بهترین و لایق‌ترین کارآموزان را از این مدرسه‌ها انتخاب می‌کنند. در کشورهای مثل کره جنوبی، مالزی و سنگاپور بیشتر روی مدل توسعه نیروی کار و منابع انسانی تمرکز می‌کنند و همه عوامل به‌خصوص چه دولتی و چه اجتماعی به آموزش و استخدام فرد کمک می‌کنند.

بعضی کشورها هم ممکن است گواهی‌نامه «سازمان استانداردهای بین‌المللی» را به کار بگیرند. سازمان استانداردهای بین‌المللی یک هیئت استاندارد بین‌المللی است که سازمان‌هایی را که در رشته‌های گوناگون، کنترل کیفی و استانداردهای داخلی را انجام می‌دهند، تأیید می‌کند. چنین گواهی‌نامه‌هایی به‌منزله یک اندازه‌گیری کیفی است و در نهایت توانایی فارغ‌التحصیلان فنی‌وحرفه‌ای را برای داشتن یک مدرک مورد استفاده در بازار کار بالا می‌برد.

گواهی‌نامه‌ای که به دلیل شایستگی‌های خاص کارآموز و استانداردها به‌دست آمده باشد و استانداردهای حرفه‌ای کشوری، ارزش کاری هر

کیفیت فارغ‌التحصیلان

کیفیت آموزش فنی‌وحرفه‌ای تا حد زیادی توسط سرمایه‌گذاران صنعتی مشخص می‌شود. چون این سرمایه‌گذاران به همراه اداره‌کنندگان نظام آموزش فنی‌وحرفه‌ای گردانندگان اصلی آن هستند. مدرک دادن در پایان آموزش به سازمان‌دهی پیوسته‌ای نیاز دارد که براساس اصول زیر باشد:

■ لیاقت و شایستگی فرد (که شامل قالب‌های توسعه شایستگی‌ها هم می‌شود)؛

■ استانداردهای شایستگی‌ها (مشابه استانداردهای کیفی)؛

■ استانداردهای شغلی (که شایستگی‌ها را تعریف و معیارهای کار خوب را توصیف می‌کنند) و استانداردهای ملی شغلی؛

■ توسعه یک ساختار بندی کیفی ملی به‌عنوان یک نتیجه‌گیری از استانداردهای ملی شغلی؛

■ اهدای مدرک به شایستگی‌ها (که آموزش و ارزیابی براساس شایستگی‌ها را درون یک قالب ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی جامع قرار می‌دهد).

کیفیت بخشی و استانداردهای شایستگی‌ها احتمالاً یک مقوله معنایی است که بعضی گروه‌های مشارکت‌کننده با مطرح کردن این اصول و اجرای آن‌ها مشکل دارند. اما اگر یک‌بار این اصول و فواید بهینه‌سازی مهارت‌های شغلی به‌طور کامل تعریف شوند، منافع آن برای این گروه‌ها روشن می‌شود. در آموزش فنی‌وحرفه‌ای بهینه‌سازی مهارت‌های شغلی همان چیزی است که با آن می‌توان با قطعیت فقر را کاهش داد، درآمدزایی کرد و یک جنبش اجتماعی سالم به‌وجود آورد. از میان نظام‌های آموزش فنی‌وحرفه‌ای بهترین نمونه‌ها را می‌توان در کشورهای استرالیا، کانادا، آلمان و ایالات متحده دید که بازه زمانی مؤثری داشته و بعد از سال‌ها غالباً از طریق مشارکت صنعتی سالم توانسته‌اند، نظام‌های آموزشی پاسخ‌گویی را ایجاد کنند و ظرفیت لازم را در به روز کردن آموزش و پیشرفت‌های فناورانه در صنعت داشته باشند.

با این حال، دشواری‌های نظام آموزش فنی‌وحرفه‌ای در این کشورها انجام این کار را برای کشورهای در حال رشد در محدودیت قرار می‌دهد. مدل نظام آموزش فنی‌وحرفه‌ای در کشور ژاپن در سطح دبیرستان اجرا و در مدرسه‌ها پیاده می‌شود و ارتباط خود را با کارفرماهای محلی گسترش می‌دهد. این

اصول شش‌گانه

مؤثر در یک

نظام آموزشی

فنی‌وحرفه‌ای موفق

به قرار زیر است:

۱. ارتباط با بازار کار

(نیازها و انتظارات

کارفرما)؛

۲. دسترسی به

آموزش دیده‌ها؛

۳. کیفیت تحویل یا

ارائه؛

۴. استانداردهای

در برگیری

مهارت‌های ساده؛

۶. سرمایه‌گذاری

بی‌خطر و پیوسته

دارد. در هر نظام آموزشی فنی و حرفه‌ای صنایع محلی باید نقش مؤثری را بازی کنند تا آموزش و نیازسنجی با هم همراه باشند. در کشور استرالیا صنعت از طریق «انجمن‌های ملی مهارت‌ها» مدیریت خوبی را اعمال می‌کند. (این انجمن‌ها استانداردهای شغلی را تعیین می‌کنند، به تعریف معیارهای شایستگی و لیاقت می‌پردازند و درس‌های مورد نیاز برای هر شغل را آماده می‌سازند). امور اجرایی نظام آموزش فنی و حرفه‌ای، بسته‌های آموزشی را از انجمن‌های ملی مهارت‌ها خریداری می‌کند که این مورد در آمریکا متفاوت است. در آمریکا یک شرکت (مثلاً فورد، کاترپیلار یا مایکروسافت) بسته‌های آموزشی را آماده می‌کند که قابل خریداری در بازار نیستند. در بیشتر کشورهای در حال توسعه امید آن می‌رود که صنعت جریان هدایت آموزش فنی و حرفه‌ای را در دست بگیرد.

استانداردسازی

در عین آن که امکان دسترسی دانش‌آموزان به نظام آموزش فنی و حرفه‌ای بالا می‌رود، از نیاز به آموزش استاندارد شده نباید غافل شد. اگر نظام آموزش فنی و حرفه‌ای در سطح کشوری یا منطقه‌ای اجرا شود، زمان و هزینه مورد نیاز برای آموزش معلمان فنی و حرفه‌ای به طور چشم‌گیری کاهش می‌یابد. با به‌کارگیری آموزش فنی و حرفه‌ای به این شیوه، آموزش در یک سطح ارائه می‌شود و همه کارآموزان، چه در مناطق روستایی و چه در سطح شهرها، از یک سطح آموزشی برخوردار می‌شوند و بیشتر مورد توجه کارفرمایان قرار می‌گیرند. استانداردهای یکسان هم به کشورها کمک می‌کند تا نظام آموزش خود را با استانداردهای جهانی هر چه بیشتر تطبیق دهند و در قالب‌های جهانی هر چه بیشتر خودنمایی کنند. کشور هند نمونه خوبی از استانداردسازی است. با اینکه در این کشور تعداد بسیار زیادی از مؤسسه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای خصوصی به چشم می‌خورد، ولی همه از نظام‌های فنی و حرفه‌ای عمومی استانداردها و برنامه‌های درسی بین‌المللی برای بهبود کیفیت و یکسان‌سازی استفاده می‌کنند.

برای آموزش مدرسان نظام فنی و حرفه‌ای می‌توان از تکنیک‌های آموزشی، استانداردها و برنامه‌های درسی یکسان بهره گرفت. این آموزش نظام‌مند و متداوم درس‌های ارائه شده را باورپذیر می‌کند. کارفرمایان مطمئن می‌شوند که آموزش داده شده از استاندارد

کارآموز را بیشتر از موقعی که تحت حمایت مدیران صنایع نباشد، بالا می‌برد. هر کشوری با تجمیع برنامه درسی و آموزش مناسب، شرکای تجاری و سرمایه‌گذاری خارجی را ناخودآگاه به سمت خود جذب می‌کند و به‌خاطر نیروی کار مجرب، رشد اقتصادی قابل ملاحظه اتفاق می‌افتد. استفاده از گواهی‌نامه‌ای که مورد تأیید صنعت باشد، مفهوم یادگیری درازمدت را عمیق‌تر می‌کند. کارآموزی که دارای مدرک باشد، می‌کوشد گواهی‌نامه مربوطه را حفظ کند و مهارت‌های خود را در تکنیک‌ها و روش‌های حرفه‌ای خود بالا ببرد. همه این موارد به ارتباط با کارآموز و ورود موفقیت‌آمیز او به بازار کار کمک می‌کند.

با اجرای راهبردهای نظام فنی و حرفه‌ای که به پشتوانه نیازها و منابع طبیعی خود حرکت می‌کند، می‌توان روی شهروندان سرمایه‌گذاری کرد تا بتوان محصولات و خدمات داخل و خارج کشور را تأمین نمود. این برای موفقیت دائمی کشور اهمیت حیاتی



**آموزش برای بازار
کار به همکاری
و همفکری با
کارفرمایان
است تا نیازهای
آموزشی و پرورشی
مشخص شوند
و مطالبات بازار
کار برآورده شود.
این یک فرایند
پویاست**

افرادی که باسواد و یا در مهارت‌هایی متبحر هستند، آموزش را در دست دارند.

مهارت‌های ارتباط جمعی در آموزش فنی و حرفه‌ای

در حال حاضر در اقتصاد جهانی رقابت دیگر در سطح منطقه و شهر نیست و همین توقع کارفرماها را از کارگران بالا می‌برد. آن‌ها کارگرانی را استخدام می‌کنند که بیشتر درگیر کار می‌شوند. این توقع‌ها ممکن است در مورد نوع کار، ارتباط‌های کاری و یا در تضاد با عقاید و آداب و رسوم کاری باشد. عوامل اجرایی به جای آنکه در تلاش برای حذف این سنت‌های کاری باشند، باید دانش‌آموزان را در جهت انتظارات کارفرماهای صنعت آموزش دهند که این هم به صنعت و هم به کارفرماها کمک می‌کند تا سنت‌های کاری خود را با روش‌های جدید کار سازگار کنند. در خیلی از موارد این نوع آموزش در طبقه‌بندی مهارت‌های ارتباط جمعی قرار می‌گیرد. همه کارفرماها خواستار چنین مهارت‌هایی هستند (بهره‌وری، کار جمعی، زمان‌بندی مناسب). در بسیاری از کشورها، به‌خاطر سنت‌های غلط یا دیگر معضلات منطقه‌ای و حرکت به سمت استانداردهای جهانی، جا انداختن بعضی از این مهارت‌ها زمان می‌برد.

سرمایه‌گذاری روی نظام آموزش فنی و حرفه‌ای

برای اینکه نظام آموزش فنی و حرفه‌ای به موفقیت برسد، باید در سیر سرمایه‌گذاری از حمایت دائمی دولت برخوردار باشد. بسیاری از نظام‌های فنی و حرفه‌ای در کشورهای در حال رشد توسط عوامل خارجی مثل "VSAID"، بانک جهانی یا سازمان ملل سرمایه‌گذاری می‌شوند. اگرچه این سازمان‌ها سرمایه‌های لازم را برای نظام‌های آموزشی مزبور تأمین می‌کنند، ولی این سرمایه‌گذاری‌ها طولانی‌مدت نیستند. با این حال در کشورهای در حال رشد در ابتدای کار سرمایه‌گذاری روی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، برای کارفرما به‌عنوان یک سرمایه‌گذاری اولیه دارای ارزش افزوده محسوب می‌شود و سیاست‌گذاران را وادار می‌کند که برای تداوم سرمایه‌گذاری به دنبال راه‌هایی باشند. در آمریکا، ابزارهای سرمایه‌گذاری وجود دارند، ولی از یک ایالت به ایالت دیگر فرق می‌کنند. در استرالیا و

مطمئن و قابل قبولی برخوردارند. به‌علاوه اگر کارمندی را از ناحیه دیگری از کشور استخدام کنند، همان آموزش هنرآموزان منطقه را دارد و فرقی با هم ندارند. این موضوع باعث شد «انجمن شایستگی‌های اروپا»، با اینکه روی مناطق و یا کشوری به‌طور خاص تمرکز ندارد، ولی نظام‌های شایسته‌سازی متفاوت کشورهای را با هم مرتبط کند و طوری عمل کند که در نظام‌ها و کشورهای گوناگون اروپا، شایستگی‌ها در سطحی قابل فهم و درک باشند. یکی از اهداف اصلی این انجمن انتقال بیشتر شهروندان از یک کشور به کشورهای دیگر اروپا بوده است.

بعد از تجربه یک بحران شدید اقتصادی دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ در ایرلند، دولت برنامه‌هایی را برای مشارکت اجتماعی طراحی کرد که این برنامه‌ها شامل یک ساختار مطمئن برای دانش‌آموزانی بود که قبل از ورود به بازار کار باید یک سلسله مهارت‌ها را کسب می‌کردند. یک بخش خصوصی نیز قبل از شروع به کار وظیفه کمک به تأیید مهارت‌ها را به‌عهده داشت.

با این حال در ارتباط با آموزش غیررسمی که در تمام کشورهای در حال توسعه انجام می‌گیرد، حرف‌های زیادی برای گرفتن وجود دارد. خیلی از این نظام‌ها کپی مدل گونه‌های کارآموزی بودند که در آن بیشتر یادگیری همان آموزش عملی است. افرادی که در این فضای غیررسمی آموزش می‌بینند، اگرچه درک اولیه و متناسبی از شغل موردنظر دارند، ولی به خاطر نبود آموزش و عدم توانایی گسترش مهارت‌های پایه‌ای دچار محدودیت هستند؛ مگر اینکه بتوانند به یک مدرسه فنی و حرفه‌ای دسترسی پیدا کنند و یا به نوعی از امکانات آموزش از راه دور بهره ببرند. اما در کشورهای در حال توسعه آموزش غیررسمی می‌تواند به اندازه آموزش رسمی اهمیت داشته باشد. به‌خاطر اهمیت بالای بخش‌های غیررسمی آموزش، فشار زیادی برای رسمیت بخشیدن به آن‌ها وجود دارد و این در قالب مراکز آموزش حرفه‌ای انجام می‌گیرد. سازمان‌های یونسکو، «یونیسف» و سازمان‌های دیگری که بر عملکردهای آموزش فنی و حرفه‌ای نظارت می‌کنند، آموزش‌های مراکز آموزش حرفه‌ای را به‌خصوص در مناطق روستایی دورافتاده، مؤثر، کاربردی و مرتبط با بازار کار تشخیص داده‌اند. یک مرکز آموزش حرفه‌ای، هم نوعی مرکز آموزش بزرگ‌سالان و مرکز مراقبت روزانه است و هم یک مدرسه ابتدایی، و معمولاً در آن‌ها،



از مطالعه روی نظام فنی و حرفه‌ای برگشت موفق سرمایه مشخص شد. بعضی از یافته‌های اصلی این مطالعه به قرار زیرند:

■ نظام آموزش فنی و حرفه‌ای تأثیر بسزایی روی رشد درآمدزایی آن داشته است.

■ این نظام تا حدودی از فقر کارآموزان جلوگیری کرده حتی تا دورهٔ بازنشستگی نیز آن‌ها را بی‌نیاز ساخته است.

■ تبعیض‌ها را کاهش داده و فاصلهٔ درآمدی بین ثروتمند و فقیر را تا حد زیادی کم کرده است.

■ به‌خاطر کاهش تبعیض و تأثیر مستقیم آن در افزایش سال‌های حضور در مدارس، جرم و جنایت تا حد زیادی کاهش پیدا کرده و هزینهٔ مبارزه با جرم کم شده است.

■ این نظام مهاجرت را کاهش داده و هزینه بالای فرار مغزها کم و کمتر شده است.

■ تقویت این نظام، جمعیت خانواده‌ها را متعادل کرده، آسیب‌پذیری را در خانواده کم کرده و امنیت بالاتری را در زندگی برای خانوادهٔ فارغ‌التحصیلان فنی و حرفه‌ای فراهم کرده است. در خیلی از موارد نتایج کسب شده از آموزش فنی و حرفه‌ای سطح یک بهتر از نتایج به‌دست آمده از آموزش سال یازدهم دبیرستان بوده است.

■ نظام فنی و حرفه‌ای با حفظ و یا افزایش درآمد در سال‌های بازنشستگی مفید بوده است.

توصیه‌هایی برای سیاست‌گذاری

بسیاری از نظام‌های فنی و حرفه‌ای برگشت سرمایه‌گذاری خود را به چشم دیده‌اند. در این میان هیچ‌چیز بیشتر از قوانین و مقررات دولتی که از حمایت موردنیاز برای یک نظام آموزش و پرورش مؤثر کم بگذارد، نمی‌تواند این نظام آموزش را از بین ببرد. اگر هزینه‌ها - چه مالی و چه غیرمالی - خیلی زیاد باشند، افراد کمی برای بالا بردن موقعیت خود به دنبال تحصیل در این نظام خواهند بود. در کشورهای در حال رشد، قوانین دست و پاگیری که فقط برای افراد پول‌دار جامعه امکان تحصیل عالی را فراهم کنند، نه تنها به کار نخواهند آمد که حتی افراد طبقه پایین‌تر را به حاشیه می‌رانند.

اگر کشورها در رؤیای پیشرفت به سطح بالاتر اقتصادی از وضعیت فعلی خود باشند، دولت‌هایشان باید با وضع قوانین و مقررات مناسب توسعهٔ برنامه‌های اقتصادی را آسان کنند، جریان‌های

کشورهای دیگری که دارای جمعیت کم هستند، این سرمایه‌گذاری توسط دولت اداره می‌شود.

کرهٔ جنوبی نمونه‌ای از کشوری است که رشد اقتصادی سریعی داشته است، ولی نظام آموزش فنی و حرفه‌ای آن با وجود تمام تلاش‌های بخش خصوصی، هنوز هم توسط دولت اداره می‌شود. سیاست‌های اجرایی آن هنوز در سطح کشور نوشته و به عمل درمی‌آید و دستگاه‌های اجرایی محلی استقلال نسبتاً کمی دارند. این موضوع در مورد مغولستان هم صدق می‌کند، یعنی دولت هنوز هم تحت قیومیت جم‌های شوروی سابق کار می‌کند.

نظام آموزش فنی و حرفه‌ای کشور اندونزی طی سال‌های زیادی تحت تأثیر برنامه‌ها و سرمایه‌گذاران متفاوت بوده است و قانونمندی‌ها و سیاست‌گذاری‌های جامعی را دربرمی‌گیرد. با اینکه دولت اعتقاد دارد که مدارس همه در یک راستا فعالیت دارند، ولی بیشتر این مدارس فقط هر از گاهی از قوانین تبعیت می‌کنند که حاصل آن عملکردی نامتوازن است.

کشورهای در حال رشد در ابتدای سرمایه‌گذاری باید راهبردهایی را اجرا کنند که کشورهای پیشرفته برای سرمایه‌گذاری، نه تنها در آموزش عمومی، بلکه در آموزش فنی و حرفه‌ای هم مورد استفاده قرار داده‌اند. این راهبردها ممکن است شامل دریافت شهریه از دانش‌آموزان، گرفتن مالیات، تأمین اعتبار برای کارفرما، قبول هدایای سازمان‌ها و مؤسسه‌های بین‌المللی باشد. بعضی از مدارس فنی و حرفه‌ای دارای برنامه‌های کارآفرینی هستند. در این‌گونه مدارس دانش‌آموزان محصولی را تولید می‌کنند و یاد می‌گیرند که چه‌طور برای آن محصول بازاریابی کنند و آن را به فروش برسانند. بدین ترتیب می‌توانند منبع دیگری را برای سرمایه‌گذاری در مدارس تأمین کنند.

آموزش فنی و حرفه‌ای برای بازگشت سرمایه تضمین خوبی است

اینکه نظام آموزش فنی و حرفه‌ای چه‌قدر با نیازهای کارفرما هم‌راستا باشد و یا چه‌قدر مدرسان و معلمان آمادگی کسب کرده باشند و یا اینکه چه‌قدر امکانات آموزشی فراهم باشد، خیلی مهم نیست. برای دستیابی به موفقیت چند شرط حتماً باید حاضر باشد تا سرمایهٔ مورد انتظار بازگردد که یکی سیاست‌های حمایتی دولت است و دیگری سازوکاری است که یک نظام آموزشی فنی و حرفه‌ای مفید و کارآمد را تأمین کند. برای مثال در کشور «جامائیکا» بعد

داشته باشد، بلکه باید به شرایط اجتماعی-اقتصادی، نیازهای بخش خصوصی، ظرفیت نظام آموزشی و تقاضاهای بازار کار هم بپردازد. به علاوه نظام فنی و حرفه‌ای باید نیازهای مناطق شهری و روستایی و اعتقادات، مذاهب و سنت‌های مختلف را در مناطق گوناگون کشور در نظر داشته باشد. در عین اینکه دسترسی افراد به این نظام باید افزایش یابد و آموزش باید استاندارد شده باشد. اگر یک نظام فنی و حرفه‌ای در سطح کشور و یا یک منطقه از کشور اجرا شود، اگرچه نگران کننده به نظر می‌آید، ولی زمان و هزینه مورد نیاز برای آموزش دبیران و مدرسان تا اندازه زیادی کاهش پیدا می‌کند.

برای اینکه نظام آموزشی موفق شود، برای تأمین سرمایه‌گذاری دائمی آن، حمایت دولت ضرورت دارد و برای اینکه نظام آموزشی در درازمدت مؤثر عمل کند، سیاست‌گذاری‌های لازم، چه از جانب گروه‌های بین‌المللی و چه با استفاده از امکانات ایالتی مهم و ضروری به نظر می‌رسد. بدون یک سرمایه‌گذاری مطمئن حتی بهترین نظام‌های آموزشی نمی‌توانند تضمین کننده رشد کشور باشند.

با اینکه کیفیت هر نظام آموزشی تا حد زیادی توسط شرکای صنعتی آن تعیین می‌شود، ولی دانش‌آموزان باید امکان دسترسی به نظام آموزشی را داشته باشند. دانش‌آموزان باید بتوانند به راحتی در مراکز آموزشی ثبت‌نام کنند؛ به عبارت دیگر، باید در مجاورت هر مرکز آموزشی جمعیت خواهان آموزش آن قدر باشد تا استفاده از منابع آموزشی تا حد امکان بالاتر رود. نظام آموزش فنی و حرفه‌ای مؤثر در هر کشور، ستون اصلی آن کشور برای داشتن اقتصادی موفق است. این نظام می‌تواند عامل بالا بردن ارزش ملت و تولیدات داخلی در بازار جهانی باشد. نظام فنی و حرفه‌ای موفق می‌تواند هر جایی در این جهان و تحت شرایط مختلف دیده شود و کلید این موفقیت سازگار کردن آن با شرایط خاص هر کشور است. هیچ‌کس نمی‌تواند از آنچه که در یک کشور مؤثر عمل کرده است، الگوبرداری کند و به کشور دیگری ببرد. برای موفقیت در این نظام متغیرهای زیادی دست‌اندر کار هستند. با این حال بخش‌های مختلفی از نظام‌های آموزشی مختلف را می‌توان مورد استفاده قرار و مثل یک پازل سر هم کرد و بعد در کشور دیگری به کار بست و موفق شد. منتها باید تکه‌های این پازل درست باشند و اصول مناسب به کار گرفته شوند تا موفقیت تضمین شود.

سرمایه‌گذاری را تداوم بخشند، چارچوبی را برای استانداردهای مشخص شده ایجاد کنند و همکاری کارفرماها را با عوامل نظام آموزشی تحریک و تشویق کنند. به علاوه دولت‌ها باید ساز و کارهای سرمایه‌گذاری را، چه از طریق سازمان‌های خارجی و چه از طریق سیاست‌های اخذ مالیات، پایه‌گذاری کنند که این می‌تواند نوعی کسب درآمد، هم برای نظام آموزش فنی و حرفه‌ای و هم برای زیرساخت‌های حمایتی باشد.

به علاوه در نظام آموزش فنی و حرفه‌ای کنترل کیفیت دائماً باید انجام شود. اقتصاد جهانی توجه مداوم به عوامل موفقیت را می‌طلبد و هر کشوری باید عوامل تأثیرگذار در اقتصاد را شناسایی کند و نظام‌های آموزشی خود را با آن‌ها مطابقت دهد. دولت‌ها نقش حساسی را در موفقیت یا شکست نظام‌های مربوطه ایفا می‌کنند. آن‌ها باید نیازهای نظام‌های فنی و حرفه‌ای را برآورده سازند. به همین دلیل سیاست‌گذاران دولتی باید مطمئن شوند که نظام آموزش فنی و حرفه‌ای‌شان:

- با نیازهای بازار کار در حال و آینده منطبق است.
- طبقه‌های تجاری و بازرگانی را درگیر کرده است (مشارکت داده است).
- دارای سیاست‌گذاری‌ها، قوانین و مقرراتی است که آموزش فنی و حرفه‌ای را تحت حمایت خود قرار می‌دهد.
- برای بقای خود دارای یک منبع سرمایه‌گذاری است.
- توانایی کنترل کیفیت آموزش را به منظور ایجاد تغییر و اصلاح در صورت لزوم دارد.
- دارای تداوم است.

و سرانجام برای اینکه نظام فنی و حرفه‌ای پابرجا بماند و همیشه نیروهای کیفی مورد نیاز برای بازار کار تأمین باشند، باید برای دانش‌آموزان یک مؤسسه آموزشی فراهم شود که بتواند از داده‌های نظام فنی و حرفه‌ای دولتی بیشترین استفاده را ببرند.

نتیجه

در زمان حاضر، توقع اقتصاد جهانی از مردم خیلی بیشتر از گذشته است. رقابت دیگر فقط در یک منطقه نمی‌گنجد، بلکه از افراد انتظارات بیشتری می‌رود و کارفرماها را وادار می‌کند، کارگرانی را تربیت کنند که هر چه بیشتر به کار بپردازند. نظام فنی و حرفه‌ای مؤثر نه تنها باید به اصول و استانداردهای جهانی توجه

Stephan MacDonald & Carl Nink & Stephan Duggen
1. principles and Strategies of a Successful TVET Program
MTC (management & Training Corporation)
(October 2010)